

Iran's Approach to *Jus cogens*

(Type of Paper: Research Article)

Abdollah Abedini ^{1*}, Mohammadreza Mohammadi ²

Abstract

The peremptory norms in any legal system lead to the formation of a hierarchy among norms and their regulation. Until recent decades, international law had not formally recognized this fundamental concept. However, there have been few references to this concept in case law, legal teachings, and doctrines. The existence of peremptory norms (*jus cogens*) in international law requires its acceptance and recognition by States. Therefore, the practice of states in this regard is of particular importance. Certain states, such as France, have never agreed with such a concept, and others, Iran, for instance, despite the general acceptance of the concept in international instruments and studies, expressed their own special views on the compulsory dispute settlement procedures as to *jus cogens* and suggesting a list of examples of *jus cogens*. The examination of Iran's approach to the identification of the concept of the *jus cogens* and related issues, particularly in the recent study of the International Law Commission on the *jus cogens*, is the subject of this article. Practice of Iran in this regard, demonstrates its adherence to the values of the international community and ways of interacting with it.

Keywords

Convention on the Law of Treaties 1969 - *jus cogens* - International Law Commission - International Adjudications - Iran.

1. Faculty Member of the Institution for Research and Development in the Humanities (SAMT), Tehran, Iran (corresponding Author). Email: a.abedini@samt.ac.ir
2. L.L.M in International Law, School of International Relations of Ministry of Foreign Affairs, Tehran, Iran. Email: mohammadi.mr7007@gmail.com
Received: July 12, 2021 - Accepted: November 8, 2021



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

رویکرد ایران به قاعده آمره

نوشتار حاضر به استاد ارجمند اخلاق و علم،
دکتر جمشید ممتاز تقدیم می‌گردد.

(نوع مقاله: علمی - پژوهشی)

عبدالله عابدینی^{۱*}، محمدرضا محمدی^۲

چکیده

قاعده آمره در هر نظام حقوقی موجب شکل‌گیری سلسله‌مراتب میان هنجارها و قاعده‌مند ساختن آنها می‌شود. حقوق بین‌الملل تا دهه‌های اخیر هنوز به شکل رسمی به شناسایی این مفهوم بنیادین مبادرت نکرده بود. با این حال، در رویه قضایی، اندیشه‌ها و آموزه‌های حقوقی اندک به این مفهوم اشاره می‌شد. وجود قاعده آمره در حقوق بین‌الملل مستلزم شناسایی و به رسمیت شناخته شدن آن از سوی دولت‌هاست. بنابراین، عملکرد دولت‌ها در این خصوص اهمیت خاصی دارد. برخی دولت‌ها مانند فرانسه هیچ‌گاه با این مفهوم سر سازگاری نداشتند و برخی مانند ایران به‌رغم پذیرش کلی آن در اسناد و مطالعات بین‌المللی، نسبت به سازوکارهای اجباری حل‌وفصل اختلافات ناشی از قواعد آمره و بیان فهرستی از مصادیق قواعد آمره دیدگاه‌های خاص خود را ابراز کرده‌اند. مطالعه سیر رویکرد ایران در خصوص شناسایی مفهوم قاعده آمره و مسائل مرتبط با آن به خصوص در طرح مطالعاتی اخیر کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد قاعده آمره موضوع نوشتار حاضر را تشکیل می‌دهد. شناخت عملکرد ایران در این خصوص پایبندی ایران به ارزش‌های جامعه بین‌المللی و شیوه‌های تعامل با آن را نشان می‌دهد.

کلیدواژگان

ایران، دادرسی‌های بین‌المللی، قاعده آمره، کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹، کمیسیون حقوق بین‌الملل.

۱. عضو هیأت علمی پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت) (نویسنده مسئول).

Email: a.abedini@samt.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه

Email: mohammadi.mr7007@gmail.com

گرایش حقوق بین‌الملل.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۷

مقدمه

در نظام هنجاری هر نظام حقوقی، قواعد بنیادینی وجود دارد که از نظر ماهوی، جنسی غیرقابل تخطی و حاکم بر سایر قوانین و قواعد دارند. همان‌گونه که در حقوق داخلی، قانون اساسی یا مفهوم نظم عمومی برای تأمین «منفعت اجتماع» دارای ارزشی برترند، در نظام بین‌الملل با مفهوم «اراده مشترک» مواجهیم که فراتر از اراده مجزای دولت‌هاست و هنجارهای الزام‌آوری را که قواعد آمره شناخته می‌شوند، به وجود می‌آورد (زمانی، ۱۳۷۷: ۳۲۴)؛ با این تفاوت که قوه فائده‌ای در نظام حقوق بین‌الملل وجود ندارد و دولت‌ها به‌عنوان واضعان قواعد براساس تساوی در حاکمیت‌ها، موضوع قواعد نیز قرار می‌گیرند (فلسفی، ۱۳۸۳: ۲۸۷).

مناقشاتی که در باور به قواعد آمره وجود دارد، در بیشتر موارد ناشی از اختلاف در مبانی نظری قاعده آمره است که به ارزیابی مفهومی هم تسری پیدا کرده است (ابراهیم‌گل و عطار، ۱۳۹۸: ۲۲)؛ اگرچه ممکن است در این میان عده‌ای به صرف وجود ابهاماتی در قاعده آمره از پوچی و کنار گذاشتن آن سخن گفته باشند (گلنون، ۱۳۸۸: ۵۷۱-۵۶۲).

باور به قاعده آمره در نظام حقوق بین‌الملل موضوعی نبود که دولت‌ها بتوانند آن را در رویه و عملکرد خود پنهان کنند. با این حال، تا زمان تصویب کنوانسیون حقوق معاهدات وین در سال ۱۹۶۹، بحث از قاعده آمره هنوز به شکلی رسمی در نظام هنجاری بین‌المللی متبلور نشده بود. به همین دلیل، بررسی دیدگاه دولت‌ها نشان از میزان باور، التزام و همت در پذیرش و شناسایی و در نهایت، توجه به پیامدهای ناشی از نقض قواعد آمره دارد. در این میان، از زمانی که برای نخستین بار موضوع قواعد آمره به‌طور رسمی وارد نظام هنجاری حقوق بین‌الملل شد، دیدگاه ایران فراز و فرودهایی داشته است. تردید در ابراز صریح دیدگاه‌های خود در کنفرانس وین در خصوص تصویب کنوانسیون حقوق معاهدات در سال ۱۹۶۹، امضای صرف و عدم تصویب این کنوانسیون تا کنون، اشاره به نقض قواعد آمره در پرونده‌هایی که ایران در محاکم بین‌المللی به‌عنوان خواهان شرکت داشته، شناسایی قاعده حاکمیت دولت‌ها به‌عنوان قاعده آمره در محضر دیوان بین‌المللی دادگستری، توجه به گزارش‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل در زمینه قواعد آمره و هشدار به گزارشگر کمیسیون نسبت به عدم تهیه فهرستی تمثیلی از قواعد آمره موجود، عملکردهایی است که ایران در طول بیش از ۵۰ سال از زمان شناسایی رسمی مفهوم قاعده آمره در عرصه بین‌المللی از خود نشان داده است. بررسی مجموعه این عملکردها از سوی ایران، شناختی از این فراز و فرودها و موضع فعلی ایران نسبت به قواعد آمره را به دست می‌دهد.

این نوشتار به صورت توصیفی-تحلیلی ابتدا به بیان مواضع ایران و سپس تحلیل آنها

می‌پردازد. شایان ذکر است که تمرکز ما در این نوشتار بر آن دسته از رویکردهای ایران است که در آنها به صورت صریح به موضوع قواعد آمره اشاره شده است، هرچند موارد دیگری نیز وجود دارند که از قضا ارتباط وثیقی با موضوع توسل به زور در روابط بین‌المللی ایران در سدهٔ اخیر داشته‌اند، اما به دلیل عدم استناد ایران به قاعدهٔ آمره حقوق بین‌الملل و محدودیت حجم واژگان، از بیان آنها صرف‌نظر می‌شود. به طور مثال، می‌توان به رویکرد ایران در شورای امنیت سازمان ملل متحد از نخستین روزهای تشکیل سازمان ملل و به طور خاص، تشکیل نخستین جلسهٔ شورای امنیت برای رسیدگی به موضوع تخلیهٔ قوای شوروی از استان آذربایجان اشاره کرد. موضوعات دیگری که در شورا مطرح شده‌اند عبارت‌اند از ملی شدن صنعت نفت ایران، زد و خورد مرزی با عراق در ۱۹۷۴ و جنگ تحمیلی ۸ سالهٔ عراق علیه ایران، قضیهٔ کارکنان دیپلماتیک و کنسولی ایالات متحده در تهران و جزایر سه‌گانه. در هریک از موارد مطروحه در شورای امنیت امکان استناد به قاعدهٔ آمره وجود داشته است که به نظر می‌رسد به دلایلی از جمله ناآگاهی در نتیجهٔ عدم تبلور مفهوم قاعدهٔ آمره تا زمان تصویب کنوانسیون حقوق معاهدات در ۱۹۶۹ و پس از آن، به دلیل، بی‌توجهی به جایگاه قواعد آمره در موضع‌گیری‌های مرتبط از جمله کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ تحمیلی اشاره کرد.

بر این اساس، در ادامه به‌طور مشخص به بررسی رویکرد ایران در کنفرانس‌های بین‌المللی منجر به تصویب کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ و ۱۹۸۶، دادرسی‌های مطرح در دیوان بین‌المللی دادگستری در ارتباط با مفهوم قاعدهٔ آمره و در نهایت، طرح‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل می‌پردازیم.

شناسایی قاعدهٔ آمره در کنوانسیون حقوق معاهدات وین و رویکرد ایران

پیش از ورود به بررسی روند شناسایی رسمی قاعدهٔ آمره در کنوانسیون وین در خصوص حقوق معاهدات ۱۹۶۹، ضروری است فضای منتهی به پیدایش این تحول، بررسی شود. در دههٔ ۱۹۲۰ تعدادی از نویسندگان مانند هاید، هال، مک‌نیر بدون اشارهٔ آشکار به قاعدهٔ آمره، از وجود هنجارهای برتری بحث کردند که موجب بی‌اعتباری معاهدات و قراردادهای در صورت نقض قواعد بنیادین خاصی خواهد شد (Petsche, 2010: 238). همچنین کمیسیون دعوای فرانسه - مکزیک در تصمیم خود در قضیهٔ پابلو ناجرا در ۱۹ اکتبر ۱۹۲۸ از تعبیر قاعدهٔ آمره استفاده کرد (French-Mexican Claims Commission, 1929: 470, 472). در سال ۱۹۳۴ یکی از قضات دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری در نظر جداگانهٔ خود در دعوای بریتانیا علیه بلژیک از قاعدهٔ

۱. برای مشاهدهٔ بررسی دقیق همهٔ وضعیت‌های مطرح‌شدهٔ مرتبط با ایران نزد شورای امنیت در میانهٔ سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۹۰، ر.ک: شایگان، ۱۳۹۹.

آمره سخن گفت (PCIJ, The Oscar Chinn Case, 1934: 149). در عرصه دانشگاهی نیز، آلفرد فردروس در مقاله سال ۱۹۳۷ از یک مناقشه مهم در خصوص امره بودن برخی هنجارها پرده برمی‌دارد که جدا از هنجارها و قواعدی است که دولت‌ها آنها را پذیرفته‌اند؛ چنین هنجارهایی برای نویسندگانی که تمام حقوق بین‌الملل را مبتنی بر توافق اراده دولت‌های طرف معاهده می‌بینند، محل نزاع بود. از نظر ایشان، باور به قاعده امره یک اصل کلی ایجاد می‌کند که دولت‌ها را از انعقاد معاهدات خلاف اخلاق حسنه منع می‌کند (Verdross, 1937: 551-552). وی ریشه قاعده امره را در اخلاق یک جامعه می‌بیند که در سطح بین‌المللی برای تمام اعضای جامعه بین‌المللی نوعی الزام را در پی دارد (Verdross, 1937: 554-556؛ شریفی، ۱۳۷۵: ۱۵۴-۶۳).

نخستین گام در شناسایی رسمی مفهوم قاعده امره در کنوانسیون حقوق معاهدات را هرش لاتریا در سال ۱۹۵۳ برداشت. او در نخستین گزارش خود بدون اشاره صریح به قاعده امره از بی‌اعتباری معاهداتی صحبت کرد که ناقض آن دسته از مقررات حقوق بین‌الملل باشند که عمومیت پیدا کرده و تا حدی عرفی شده‌اند. ملاک نقض مقررات، ناسازگاری با اصول برجسته حقوق بین‌الملل است که به‌عنوان نظم عمومی بین‌المللی شناخته می‌شوند (A/CN.4/63). نخستین بار از اصطلاح قاعده امره استفاده کرد. از نظر او هنگامی یک معاهده از اعتبار برخوردار است که با آن دسته از اصول حقوق بین‌الملل که ماهیت قاعده امره دارند، در تعارض نباشد (A/CN.4/115, 1958: 26-27). همفری والداک، آخرین گزارشگر کمیسیون در خصوص حقوق معاهدات نیز از غیرقانونی بودن معاهداتی سخن گفت که ناسازگار با هنجارهای قواعد امره باشند؛ البته او در تفسیر خود از پیش‌نویس ماده مربوطه اظهار کرد که مفهوم قاعده امره محل مناقشه است (A/CN.4/156, 1963: 52).

رویکرد کلی اعضای کمیسیون حقوق بین‌الملل به‌رغم برخی اختلافات در خصوص پیش‌نویس و مبانی حقوقی و تئوریک قاعده امره، در مورد اصل عدم اعتبار معاهده‌ای که معارض با قاعده امره باشد، مثبت بود و کمیسیون در پیش‌نویس ۱۹۶۳ خود در تفسیر یکی از مواد اعلام کرد که در تدوین حقوق معاهدات این نکته باید مدنظر باشد که امروزه قواعد و اصول خاصی وجود دارد که دولت‌ها نمی‌توانند با ترتیبات معاهده‌ای آنها را تضعیف کنند (Yearbook of the International Law Commission, 1963: 198). در سال ۱۹۶۶ ماده ۵۰ به قواعد امره اختصاص یافت: «معاهده‌ای که در تعارض با یک قاعده امره حقوق بین‌الملل عام باشد بی‌اعتبار است، قاعده‌ای که تخطی از آن مجاز نیست و فقط به‌وسیله هنجار بعدی حقوق بین‌الملل عام با همان ویژگی قابل تغییر است». در تفسیر پیش‌نویس این ماده، کمیسیون اعلام کرد اینکه معتقد باشیم در روزگار معاصر هیچ قاعده‌ای نمی‌تواند مانع از اراده آزاد دولت‌ها در انعقاد موافقت‌نامه شود، قابل قبول نیست (Yearbook of the

International Law Commission: 1966: 247) بیشتر دولت‌ها نیز رویکردی سازنده به کلیت پیش‌نویس مربوط به قاعده آمره داشتند و این مسیر را برای شناسایی این مفهوم در معاهده هموارتر کرد (Yearbook of the International Law Commission: 1966: 247).

ماده ۵۳ در کنفرانس وین برگرفته از پیش‌نویس ماده ۵۰ بود. دولت‌های حاضر در کنفرانس اصل ایده قاعده آمره را به‌عنوان جزئی از حقوق بین‌الملل پذیرفته و بیشتر مباحث حول مینا و کاربرد قاعده، جزئیات و شور در تنظیم پیش‌نویس براساس پیشنهادها بود. یکی از نگرانی‌ها، نقص تعریف قاعده آمره بود، چون این تعریف شامل معیاری عینی نبود که به موجب آن وجود یک قاعده آمره در عمل ثابت شود و تمایزی با قواعد اخلاقی نداشت. به همین دلیل در نهایت پذیرش و شناسایی دولت‌ها در کل، معیاری برای تمایز قاعده شد (Petsche, 2010). (240) همچنین کنفرانس وین با توجه به نگرانی‌های دیگر برخی دولت‌ها، در ماده ۶۶ مقرر کرد طرف یک اختلاف در مورد تفسیر یا اجرای مقررات مربوط به قاعده آمره در کنوانسیون وین می‌تواند اختلاف را به دیوان بین‌المللی دادگستری تسلیم کند (Vienna Convention on the Law of Treaties, 1969: Art. 66 (a)) در نهایت کنفرانس در کنار مواد ۶۴ (ایجاد قاعده آمره جدید) و ۷۱ (تکلیف معاهده معارض با قاعده آمره) به‌وسیله ماده ۵۳ کنوانسیون حقوق معاهدات، قاعده آمره را شناسایی و بدین شکل تصویب کرد: «اگر معاهده‌ای در زمان انعقاد در تعارض با یک قاعده آمره حقوق بین‌الملل عام باشد، بی‌اعتبار است. از نظر کنوانسیون حاضر، قاعده آمره حقوق بین‌الملل عام قاعده‌ای است که به‌وسیله جامعه بین‌المللی دولت‌ها در کل، به‌عنوان قاعده‌ای تخلف‌ناپذیر که تنها با قاعده بعدی حقوق بین‌الملل عام با همان ویژگی قابل تغییر می‌باشد، پذیرفته و مورد شناسایی قرار گرفته است»^۱.

یکی از اسنادی که نمایانگر رویکرد کلی یک دولت به قواعد و مقررات بین‌المللی است، مواضع و بیانیه‌های آن دولت در زمان پذیرش آن قواعد است. براساس نوع دیدگاه دولت ایران به‌عنوان یکی از دولت‌هایی مشارکت‌کننده در کنفرانس تدوین حقوق معاهدات ۱۹۶۹ و ۱۹۸۶، می‌توان قاعده آمره را از منظر دولت ایران بررسی کرد.

یکی از جدی‌ترین اصلاحات به پیش‌نویس مربوط به قاعده آمره (ماده ۵۰ پیش‌نویس ۱۹۶۶) ارائه شد (Yearbook of the International Law Commission, 1966: 17) که از سوی ایالات متحده (A/CONF.39/C.1/L.302, 1969: 462(b)) و بسیاری از دولت‌ها را وادار به اعلام موضع کرد، این پیشنهاد بود که احراز قاعده آمره منوط به شناسایی در نظام‌های حقوقی داخلی و

۱. در مورد اثر حقوقی مذکور در رابطه با بطلان و بی‌اعتباری کل معاهده یا بطلان و عدم اجرای مقررات معارض با قواعد آمره و نه کل معاهده، میان متخصصان حقوق بین‌الملل اختلاف وجود دارد. اما کارکرد غالب، بی‌اعتباری کل معاهده است. ر.ک: شایگان و عبداللهی، ۱۴۰۰: ۷۰۱.

منطقه‌ای باشد. این اصلاحیه، مورد پذیرش دولت‌ها قرار نگرفت و رد شد، اگرچه عبارت «در هنگام انعقاد این کنوانسیون» این اصلاحیه، به متن نهایی ماده اضافه شد (A/CONF.39/C.1/L.302, 1969: 465(c & d): 174-175).
اصلاحیه ممتنع بود (A/CONF.39/C.1/L.302, 1969: 465 (c): 175). در واقع، این موضع‌گیری ایران در سال ۱۹۶۶ با موضع‌گیری فعلی این کشور در کمیته ششم (کمیته حقوقی) مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۱۶ همخوانی دارد، زیرا ایران ضمن نفی مفهوم قاعده آمره منطقه‌ای، معتقد است که احراز قاعده آمره باید دقیقاً از طریق فرایند تعریف‌شده در ماده ۵۳ کنوانسیون به صورت «شناسایی و به رسمیت شناخته شدن از طریق جامعه بین‌المللی دولت‌ها در کل» انجام گیرد (بخش سوم این نوشتار). شایان ذکر اینکه در کنفرانس تصویب کنوانسیون حقوق معاهدات میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی یا میان سازمان‌های بین‌المللی، در زمان تصویب ماده ۵۳ پیش‌نویس در خصوص تعریف قاعده آمره و بطلان معاهده معارض با آن در ماده ۶۴، ایران نیز در کنفرانس حضور داشت و در این خصوص اظهارنظری نکرد. این مواد بدون رأی‌گیری به تصویب رسید^۱ (UN Conference on the Law of Treaties between States and International Organizations or between International Organizations, 1968: 17-18).
در جلسه هجدهم این کنفرانس در ۲۱ می ۱۹۶۸ متن نهایی ماده شامل یک قاعده، یک تعریف و چند اصلاح عبارتی نسبت به پیش‌نویس، به رأی گذاشته شد و به تصویب رسید. دولت ایران به این متن رأی مثبت داد (UN Conference on the Law of Treaties, 1968: 472).
para. 16: 472 این رویکرد ایران نیز همچنان استمرار دارد و ایران در مباحث کمیته ششم در خصوص اهمیت پایبند بودن به تعریف فعلی قاعده آمره در ماده ۵۳ و عناصر مرتبط با این تعریف تأکید ورزیده است (بخش سوم این نوشتار).
در جلسه بیست‌ودوم کنفرانس، ماده ۶۱ پیش‌نویس که در خصوص قواعد آمره جدید بود و بعدها در کنوانسیون در قالب ماده ۶۴ تدوین شد، به رأی گذاشته شده و بدون تغییر خاصی، نهایی شد. دولت ایران نیز به آن رأی مثبت داد (UN Conference on the Law of Treaties, 1968: 125).
para. 80: 1968 این رویکرد ایران نیز در ادامه دو بند بالا قابل ارزیابی است. به عبارت دیگر، ایران از همان ابتدای ظهور رسمی قاعده آمره تا به امروز معتقد است که قاعده معاهده‌ای مغایر با قاعده آمره اعتباری نخواهد داشت. این رویکرد ایران در زمینه دادرسی‌های بین‌المللی در قضیه سکوه‌های نفتی نیز قابل مشاهده است؛ در جایی که ایران در خصوص استناد ایالات متحده به توسل به زور علیه سکوه‌های نفتی ایران در مقام دفاع مشروع و بر مبنای استثنای موجود در معاهده مودت در خصوص منافع اساسی امنیتی اعتراض می‌کند (بخش دوم این نوشتار).

۱. این کنوانسیون هنوز لازم‌الاجرا نشده و ایران نیز آن را امضا و تصویب نکرده است. ر.ک: <https://treaties.un.org>

در سی و چهارمین جلسه کنفرانس در ۲۱ می ۱۹۶۹، ده دولت به شکل گروهی به طرح اعلامیه و همچنین یک ماده پیشنهادی جدید حاوی سازوکار حل و فصل اختلافات پرداختند (UN Conference on the Law of Treaties, 1968, para. 26: 187). این پیشنهاد که در ماده ۶۶ نهایی کنوانسیون متجلی شد و اختلافات مرتبط با قواعد آمره (ماده ۵۰ پیش‌نویس) و همچنین قاعده آمره جدید (ماده ۶۱ پیش‌نویس) را به دیوان بین‌المللی دادگستری یا داوری ارجاع می‌داد، به رأی گذاشته و تصویب شد. شایان ذکر است که رأی ایران به این مقرر، ممتنع بود (UN Conference on the Law of Treaties, 1968, para. 72: 197). به‌نظر می‌رسد دلیل امتناع ایران در مورد امکان ارجاع اختلاف در خصوص تفسیر یا اجرای مواد مربوط به قواعد آمره به سرشت حساس مسئله قاعده آمره برمی‌گردد. در واقع، دولت ایران در آن زمان همراستا با عملکرد منسجم این کشور در درج حق شرط نسبت به قید حل و فصل اختلافات مندرج در بسیاری از معاهدات که امکان مراجعه به دیوان بین‌المللی دادگستری را فراهم می‌کرد، موضع تردیدآمیزی را در خصوص درج اصل موضوع در ماده ۶۶ کنوانسیون اتخاذ کرد. شاید یکی از علل عدم تصویب کنوانسیون توسط ایران، همین مورد باشد. نکته جالب توجه اینکه به‌رغم رأی ممتنع در زمان تصویب این ماده، دولت ایران در اظهارنظر خود در مورد گزارش کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص موضوع قواعد آمره، دیوان بین‌المللی دادگستری را طبق بند ۱ ماده ۶۶ کنوانسیون، در تشخیص قاعده آمره ذی‌صلاح می‌داند (بخش سوم این نوشتار). عملکرد دیگر ایران در عدم تمایل به ایجاد سازوکاری اجباری به‌منظور حل و فصل اختلافات ناشی از قواعد آمره در معاهدات، در کنفرانس منجر به تدوین کنوانسیون حقوق معاهدات میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی یا میان سازمان‌های بین‌المللی در ۱۳ مارس ۱۹۸۶ نیز بارز است. زمانی که کمیسیون حقوق بین‌الملل در طرح پیشنهادی خود در سال ۱۹۸۲ سازوکاری اجباری مشابه ماده ۶۶ کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ جهت حل و فصل اختلافات ناشی از قواعد آمره در قالب توسل به داوری یا سازش اجباری در نظر گرفته بود، نماینده دولت ایران در اجلاس اظهار داشت: «اختلافات مهم مربوط به قاعده آمره تنها باید با رضایت صریح طرف‌های ذی‌ربط به‌جای ارجاع به یک دادگاه داوری، به عالی‌ترین رکن قضایی ارجاع شود. هرچند سازمان‌های بین‌المللی صلاحیت حضور نزد دیوان را ندارند اما تعبیه یک سازوکار غیرالزام‌آور برای اخذ نظر مشورتی از دیوان می‌تواند در موارد لزوم کاملاً توجیه‌پذیر باشد. آزادی انتخاب برای توسل به هرگونه ابزار حل و فصل اختلاف که مبتنی بر رضایت همه طرف‌های مرتبط با اختلاف باشد، همواره معیار مبنایی و اصلی

۱. برای مشاهده وضعیت دولت‌های عضو این معاهده، به لینک زیر نگاه کنید: <https://treaties.un.org>. شایان ذکر این که دولت‌های فرانسه و ایالات متحده نیز هنوز به کنوانسیون وین نپیوسته‌اند. دولت فرانسه به‌عنوان یکی از مخالفان سرسخت مفهوم قاعده آمره حتی کنوانسیون مزبور را امضا نکرده است (Bianchi, 2008: 493).

بوده است... به دلایل مذکور، پذیرش اصلاحات مربوط به ماده ۶۶ پیش‌نویس در قالب درج سازوکار اجباری حل‌وفصل اختلاف برای ایران مشکل می‌باشد». ایران در رأی‌گیری در خصوص محتوای ماده پیشنهادی موضع مخالف را اتخاذ کرد (UN Conference on the Law of Treaties, 1986, respectively: 190, paras. 47, 53; 28, para.37: 27, para. 31)

قاعده آمره در دادرسی‌های بین‌المللی مرتبط با ایران

در بررسی رویکرد و نوع تعامل ایران با قواعد آمره باید این موضوع از دریچه دادرسی‌های بین‌المللی که ایران در آنها در مقام خواهان است، بررسی شود. در دعوی جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده در قضیه حادثه هوایی ۳ جولای ۱۹۸۸ که پس از حمله ناو نیروی دریایی ایالات متحده به هواپیمای مسافربری ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری اقامه شد، دولت ایران در لایحه خود ممنوعیت تهدید و توسل به زور علیه هواپیمای غیرنظامی را جزئی از قواعد آمره معاصر تلقی می‌کند (Aerial Incident of 3 July 1988, 1990: 187, para. 3.71). ایران همچنین در ملاحظات و لایحه خود در خصوص ایرادات مقدماتی ایالات متحده، با تأکید بر تعهد به بی‌طرفی دولت‌های ثالث، با استناد به گزارش دبیرکل سازمان ملل در زمینه اجرای قطعنامه ۵۹۸ مبنی بر اینکه تجاوز عراق به ایران «نقض ممنوعیت توسل به زور بوده که به‌عنوان یکی از قواعد آمره برشمرد شده» است (7 para. S/23273, 1991: para. 7) معتقد است دولت ایالات متحده به دلیل نقض تعهد به بی‌طرفی مسئولیت دارد (Aerial Incident of 3 July 1988, 1992, para. 2.31: 37). متأسفانه این اختلاف با مصالحه میان طرفین پایان یافت و فرصت اظهارنظر دیوان در خصوص اقدامات ایالات متحده در خصوص نقض آشکار قاعده منع توسل به زور به‌طور مشخص علیه هواپیمای غیرنظامی فراهم نشد (Aerial Incident of 3 July 1988, Order of 22 February 1996).

ایران یک‌بار دیگر به‌طور مشخص به جایگاه قاعده منع توسل به زور در دیوان به‌عنوان یک قاعده آمره اشاره می‌کند. پس از طرح سؤال مجمع عمومی از دیوان به‌منظور کسب نظر مشورتی در خصوص مشروعیت تهدید یا استفاده از تسلیحات هسته‌ای در سال ۱۹۹۴، دولت ایران در بیانیه کتبی و شفاهی خود نزد دیوان اعلام می‌کند ممنوعیت تهدید یا توسل به زور یک اصل اساسی و یک قاعده آمره است (Note Verbal from the Embassy of Iran, 1995, para. b: 1). این در حالی است که در اظهارات ایران به‌طور خاص به ممنوعیت استفاده از تسلیحات هسته‌ای به‌عنوان قاعده آمره اشاره‌ای صورت نگرفت و صرف توسل به زور به‌عنوان قاعده‌ای کلی و بدون در نظر گرفتن نوع تسلیحات در زمان تهدید یا توسل به زور موردنظر ایران بوده است. در این قضیه دیوان در نهایت اعلام کرد: «...در پرتو وضعیت فعلی حقوق بین‌الملل و حقایقی که در حال حاضر در اختیار قرار دارد، دیوان نمی‌تواند در مورد قانونی بودن یا نبودن تهدید یا توسل به تسلیحات هسته‌ای در شرایط فوق‌العاده‌ای دفاع مشروعی

که طی آن، موجودیت یک کشور در معرض خطر است، به نتیجه‌گیری قطعی دست یابد» (Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, ICJ Reports, 1996: 105(2)(E)). در قضیهٔ سکوه‌های نفتی، یکی از چالش‌های طرفین اختلاف، موضوع قاعدهٔ آمره بود. ایران در لایحهٔ تفصیلی خود اظهار می‌کند توسل به زور از سوی ایالات متحده، نمی‌تواند در قالب دفاع مشروع و مبتنی بر قسمت چهارم بند اول مادهٔ ۲۰ معاهدهٔ مودت ۱۹۵۵ توجیه‌پذیر باشد. (Oil Platforms, 1993, Part. IV, paras. 4.04-4.05). این ماده مقرر می‌دارد که این معاهده اقدامات ضروری برای اجرای تعهدات طرفین به‌منظور حفظ یا اعادهٔ صلح و امنیت بین‌المللی یا اقدامات ضروری برای حفاظت از منافع امنیتی ضروری را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد (Treaty of Amity between the US and Iran, 1955: Art. XX (1)(d)). مادهٔ ۲(۴) منشور ملل متحد دارای ماهیت آمره است و ایالات متحده با نقض آن نمی‌تواند به مادهٔ ۲۰ معاهدهٔ مودت استناد کند (Oil Platforms, 1993, Part. IV, paras. 4.0: 95). همچنین ایران در پاسخ به دعوای متقابل آمریکا متذکر می‌شود، از آنجا که ممنوعیت توسل به زور، آمره است، مادهٔ ۲۰ نمی‌تواند مجوز عمل خلاف قاعدهٔ آمره باشد؛ استدلال ایران آن است که براساس مادهٔ ۵۳ کنوانسیون حقوق معاهدات، مقررۀ معارض با قاعدهٔ آمره نامعتبر است و باید تفسیر مضیقی از معتبر بودن معاهدهٔ ۱۹۵۵ براساس حقوق بین‌الملل عام صورت گیرد (Oil Platforms, 1999: Part. 3, para. 7.75: 164). بر این اساس، یک قاعدهٔ آمره حقوق بین‌الملل باید اثر آمرهٔ خود را در تفسیر معاهداتی چون معاهدهٔ مودت اعمال کند و مادهٔ ۲۰ نمی‌تواند به‌گونه‌ای تفسیر شود که توجیه‌گر توسل غیرقانونی به زور باشد، زیرا تجاوز به مقررات دفاع مشروع خواهد بود (Oil Platforms, 1999: Part. 3, para. 7.76: 165). این نکته شایان توجه است که ایران همیشه قائل به تفکیک روشن بین توسل به زور و دفاع مشروع بوده و معتقد است نباید آثار غیرقانونی توسل به زور موجب منتفع شدن ایالات متحده شود (A/C.4/622, 2010). Draft Article. 15: 133 دیوان اگرچه به‌صراحت به موضوع قاعدهٔ آمره نپرداخت، اعلام کرد اقدامات ایالات متحده در حمله به سکوه‌های نفتی نمی‌تواند براساس مادهٔ ۲۰ معاهدهٔ مودت توجیه‌کنندهٔ اقدامات ضروری برای حفاظت از منافع امنیتی ضروری این کشور باشد، زیرا آن اقدامات به‌منزلهٔ توسل به زور بدون وصف دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل هستند و بر این اساس در ردیف اقداماتی قرار نمی‌گیرد که براساس تفسیر صحیح از مقررۀ مذکور بتوانند در معاهدهٔ مودت جای بگیرند (Oil Platforms, 2003, para. 78: 42). براساس همین خودداری دیوان است که قاضی سیما در نظر جداگانهٔ خود این موضوع را بر نمی‌تابد و از عدم صراحت دیوان در بیان نقض منشور با توسل به زور و نقض قاعدهٔ آمره، انتقاد می‌کند (Oil Platforms, 2003, Separate Opinion of Judge Simma, para. 6: 170). قاضی اختصاصی ایران در این قضیه بود، در نظر جداگانهٔ خود سه بار اعلام می‌کند که

ممنوعیت توسل به زور یک قاعده آمره در حقوق بین‌الملل قلمداد می‌شود (Oil Platforms, 2003: Separate Opinion of Judge Rigaux, para. 7: 216, para. 17: 221, para. 19: 223). ایران در خصوص قضیه مشورتی مربوط به اعلامیه یکجانبه استقلال کوزوو در سال ۲۰۰۹ بیانیه مکتوبی ارائه کرد که در آن از تمامیت سرزمینی دولت‌ها به‌عنوان هنجاری پذیرفته شده و مورد شناسایی جامعه بین‌المللی دولت‌ها تعبیر شد که تخطی‌ناپذیر است و قاعده آمره محسوب می‌شود. ایران احترام به تمامیت سرزمینی را بنیاد و اساس منشور ملل متحد می‌نامد که هدف و علت اصلی مفهوم امنیت جمعی مندرج در منشور است (Written Statement of Islamic Republic of Iran, 2009, para. 2.1: 3) سایر لوایح کتبی و اظهارنظرهای شفاهی در این رسیدگی نشان می‌دهد که ایران تنها دولتی بوده که برای نخستین بار احترام به تمامیت سرزمینی را واجد ویژگی آمره دانسته است. (Accordance with international law of the unilateral declaration of independence in respect of Kosovo, ICJ Reports, 2010) در سال ۲۰۱۶، در قضیه برخی دارایی‌های ایران علیه ایالات متحده، ایران در لایحه خود به آورده دیوان در قضیه آلمان علیه ایتالیا اشاره می‌کند که هیچ محدودیتی نسبت به مصونیت قضایی دولت در زمینه قضایای مطرح نزد محاکم داخلی در مورد ادعاهای نقض فاحش حقوق بشر و قواعد آمره در عرف بین‌المللی وجود ندارد (Certain Iranian Assets, 2017, para. 3.21(e): 52). در حوزه داوری نیز می‌توان مواردی را یافت که از قواعد آمره بحث شده است. در دیوان دعاوی ایران و ایالات متحده در دعوی که یک شرکت آمریکایی اقامه کرده بود، خواندگان نسبت به بی‌اعتباری معاهده مودت ۱۹۵۵ به دلیل تغییر بنیادین اوضاع و احوال نسبت به زمان انعقاد و پس از آن استناد می‌کنند (Amoco International Finance Corporation v. Iran, 1987, para. 88: 38). دیوان در راستای رد این ادعا به تحلیل ظرفیت‌های موجود در کنوانسیون حقوق معاهدات برای بی‌اعتبار خواندن یک معاهده می‌پردازد و از جمله اعلام می‌کند از آنجا که معاهده مورد مناقشه، در زمان انعقاد و همچنین اجرا، در تعارض با یک قاعده آمره مبتنی بر ماده ۵۳ کنوانسیون وین نیست، نمی‌توان آن را بر این اساس بی‌اعتبار دانست (Amoco International Finance Corporation v. Iran, 1987: para. 90: 39).

رویکرد ایران به قواعد آمره در کمیته ششم مجمع عمومی سازمان ملل متحد

یکی دیگر از مجموعه اعلام مواضع ایران در زمینه قاعده آمره در کمیته ششم صورت گرفته است که موضوعات و مسائل حقوقی را دستور کار قرار می‌دهد. نماینده ایران در سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۵ در کمیته ششم اظهار داشت تجربه ثابت کرده است به دلایلی برخی دولت‌ها قادر به پاسخگویی به پرسشنامه‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل نیستند. در نتیجه، برای رسیدن به زمینه مشترک واقعی، کمیسیون باید توجه خاصی به

اظهارت نمایندگان دولت‌ها در کمیته ششم و سایر اشکال مکاتبات از سوی دولت‌ها داشته باشد (A/C.6/54/SR.26, 1999, para. 70; A/C.6/60/SR.11, 2005, para. 83).

براساس جست‌وجوی صورت‌جلسات چند دهه کمیته ششم موارد زیر در خصوص رویکرد ایران به قاعده آمره یافت شدند.

نماینده ایران پس از تصویب نهایی طرح مواد مسئولیت دولت در کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۲۰۰۱ به‌طور مشخص در مورد مفهوم قاعده آمره اظهار داشت که اصطلاح «نقض شدید تعهد ناشی از قاعده آمره حقوق بین‌الملل عام» برای جایگزینی با مفهوم جنایت دولت در شور نهایی طرح مواد مسئولیت قرار داده شد که با استقبال دولت‌ها نیز مواجه شد. حذف مجازات تنبیهی به‌عنوان یکی از پیامدهای نقض قاعده آمره نیز اقدام شایان توجه دیگر کمیسیون بود. نماینده ایران ضمن یادآوری پیامدهای نقض قاعده آمره در طرح مواد مسئولیت دولت به این نکته اشاره می‌کند که سایر آثار نقض قاعده آمره در اثر توسعه و تحول بعدی حقوق بین‌الملل نمایان خواهد شد (A/C.6/56/SR.16, 2001: para. 10).

دیدگاه ایران در خصوص قاعده آمره در طرح مواد مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی مبتنی بر تأیید دیدگاه کمیسیون حقوق بین‌الملل است. نماینده ایران در کمیته ششم مجمع عمومی در سال ۲۰۰۶ اعلام کرد: «دولت متبوع من با دیدگاه کمیسیون حقوق بین‌الملل در پیش‌نویس ماده مربوط به اجرای هنجارهای آمره موافق است... سازمان‌های بین‌المللی باید از قواعد آمره متابعت کنند» (A/C.6/61/SR.15, 15 November 2006, para. 54).

در هفتادویکمین جلسه مجمع عمومی در سال ۲۰۱۶، کمیته ششم موضوع قواعد آمره را به‌عنوان یکی از مسائلی که در گزارش کمیسیون حقوق بین‌الملل به مجمع ارائه شده بود، در دستور کار داد و ایران در این خصوص بیانیهای را ارائه کرد. ایران به‌عنوان اولین نکته به این موضوع می‌پردازد که تهیه فهرستی از قواعد دارای ماهیت آمره از سوی کمیسیون حقوق بین‌الملل منطقی نیست، این فهرست تمثیلی خواهد بود و هر لحظه امکان دارد به‌نحوی که در ماده ۶۴ کنوانسیون وین مقرر شده در پی ظهور یک قاعده آمره جدید اصلاح شود. اما شناسایی معیارهایی که بتوان براساس آنها وجود چنین قاعده‌ای را احراز کرد، می‌تواند به‌عنوان راهنما مورد استفاده محاکم بین‌المللی قرار گیرد و بر این اساس از افزایش بیش از حد قواعد دارای ماهیت آمره و در نتیجه، در معرض خطر قرار دادن ثبات روابط قراردادی و یکپارچگی اصول اساسی حقوق بین‌الملل احتراز شود. این رویکرد به‌هیچ‌وجه دو مؤلفه تعیین‌شده به موجب ماده ۵۳ کنوانسیون وین یعنی پذیرش و شناسایی از سوی جامعه بین‌المللی و همچنین تخطی‌ناپذیری آن را زیر سؤال نمی‌برد. برعکس، آنچه باید برای روشن‌شدنش تلاش شود، معنا و دامنه این دو مؤلفه است که به‌طور گسترده از سوی دولت‌ها پذیرفته شده و با هم قابل اعمال هستند. سپس نماینده ایران وارد بحث نظری می‌شود و از معیارهای پذیرش و شناسایی سخن

می‌گوید. وی پس از اشاره به رویه دیوان در نظر مشورتی مشروعیت تهدید یا توسل به سلاح‌های هسته‌ای مبنی بر اینکه «این مسئله که آیا یک قاعده ویزگی آمره دارد، به ماهیت حقوقی آن قاعده مربوط می‌شود» (Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, 1996: 125) اعلام می‌کند که اهمیت قاعده برای جامعه بین‌المللی موجب می‌شود که چنین ماهیتی به آن بخشیده شود. قواعدی که برحسب ماهیت خود، نظم عمومی بین‌المللی را تضمین می‌کنند و تحکیم می‌بخشند، بی‌شک از چنین ماهیتی برخوردارند. به عبارت دیگر، این ضرورت‌های بقای جامعه بین‌المللی است که اجازه می‌دهد قاعده‌ای، آمره توصیف شود و نه فی‌نفسه خود آن قاعده. این اهمیت اجتماعی قاعده است که ماهیت آن را مشخص می‌کند. سرعت، شدت و عمومیت واکنش، بدون تردید، معیارهایی هستند که می‌توان برای تعیین ماهیت آمره قاعده نقض شده در نظر گرفت. بنابراین، قواعد آمره در سلسله‌مراتب قواعد نظم حقوقی بین‌المللی در جایگاهی برتر قرار می‌گیرند و به همین علت، در مقایسه با قواعد دارای این ماهیت در نظام‌های حقوقی داخلی که مبتنی بر اصولی‌اند که جوامع داخلی بر آنها بنا نهاده شده‌اند، به قواعد بنیادین موصوف شده‌اند. این واقعیت که یک قاعده حقوق بین‌الملل به‌عنوان اصل کلی حقوق پذیرفته شود، می‌تواند معیاری برای احراز ماهیت آمره آن در نظم بین‌المللی باشد (ممتاز، ۲۸ اکتبر ۲۰۱۶). در واقع، نماینده ایران در این نشست، فرایند تبلور اصول کلی در نظام بین‌المللی را به‌عنوان معیاری برای احراز قاعده آمره دانسته و این بدان معنا نیست که بدون توجه به ماهیت اصل کلی مربوطه بتوان آن را قاعده‌ای قلمداد کرد که لزوماً حافظ ارزش‌های جامعه بین‌المللی تلقی شود.

نکته دیگر در موضع ایران به وصف تخطی‌ناپذیر بودن قاعده آمره مربوط می‌شود و در سیر استدلالی خود به آورده دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه ۲۰۱۲ آلمان علیه ایتالیا اشاره می‌کند؛ مبنی بر اینکه «یک قاعده آمره قاعده‌ای است که هیچ‌گونه تخطی را برنمی‌تابد» (Jurisdictional Immunities of the State, 2012: para. 95: 46) و همچنین نظر مشورتی سلاح‌های هسته‌ای که تصریح می‌کند برخی از قواعد حقوق بشردوستانه قواعدی بنیادین را ایجاد می‌کنند که اصول تخطی‌ناپذیر را پدید می‌آورند (Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, 1996: para. 79: 35) به نظر ایران اگرچه دیوان دکترین تخطی‌ناپذیر بودن را اشاره‌ای غیرمستقیم به قاعده آمره محسوب کرده است، اما صرف‌نظر از اهمیت این معیار باید تأکید کرد که هر قاعده تخطی‌ناپذیر لزوماً قاعده آمره نیست. در واقع هر قاعده حقوق بین‌الملل ماهیتاً تخطی‌ناپذیر است. همچنین ایران با قاعده آمره منطقه‌ای مخالفت می‌کند و بر رویکرد گزارشگر ویژه قاعده آمره تأکید می‌کند. در آخر ایران متذکر می‌شود که گزارشگر ویژه باید به آثار آمره بودن یک قاعده بپردازد. همچنین باید مراقب آثار مخرب اعمال بی‌رویه قاعده آمره بر نهادهای کاملاً تثبیت‌شده حقوق بین‌الملل مانند مصونیت

دولت‌ها و اصل لزوم رضایت طرفین یک اختلاف برای حل و فصل اجباری اختلافات بود. در مقابل، احترام به قواعد بنیادین حقوق بشر که وضعیت آمره را کسب کرده‌اند، ایجاب می‌کند که دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی (قطعنامه‌های شورای امنیت براساس فصل هفت) آنها را به‌دقت رعایت کنند و عدم رعایت قواعد آمره در اعمال دولت‌ها و سازمان‌ها، آن اعمال را عاری از هرگونه اثر حقوقی می‌کند (ممتاز، ۲۸ اکتبر ۲۰۱۶). در نگاه دکتترین نیز چنین برداشتی قابل مشاهده است (ارکلش ویلی، ۱۳۸۴: ۷۱-۶۲).

کمیتهٔ ششم در هفتاد و دومین اجلاس سالانهٔ مجمع عمومی در سال ۲۰۱۷ نیز موضوع قاعدهٔ آمره را مورد توجه قرار داد. در این خصوص، ایران ابتدا به موضوع جنایات علیه بشریت که در دستور کار کمیسیون قرار داشت، اشاره می‌کند. ایران معتقد است موضوع قواعد آمره هنوز موضوعی در حال پیشرفت در کمیسیون است و رویه و باور به الزام در میان دولت‌ها در خصوص موضوع مهمی مانند شناسایی قواعد آمره و آثار آن در برخی جنبه‌ها مبهم است و ضرورت و نیاز به پیش‌نویس مواد برای پرداختن به ماهیت قواعد آمره نیازمند مطالعات و کارهای بیشتر است. ایران در خصوص موضوع قواعد آمره حقوق بین‌الملل که در دستور کار کمیسیون بود، متذکر می‌شود معیار شناسایی قاعدهٔ آمره را چه کسی مشخص می‌کند، در حالی که گزارشگر ویژه کنوانسیون حقوق معاهدات را ملاک شناسایی می‌داند. ایران براساس بند ۱ مادهٔ ۶۶ کنوانسیون حقوق معاهدات، دیوان بین‌المللی دادگستری را صالح در تشخیص قاعدهٔ آمره می‌داند (Sixth Committee of the 72th Session, 2017: 1-2).

ایران معتقد است که شرط تخطی ناپذیری قاعده، معیار شناسایی محسوب نمی‌شود. در خصوص مصادیق، ایران معتقد است ممنوعیت تهدید و توسل به زور باید در رأس قواعد آمره قرار داشته باشد. نکتهٔ دیگر ایران آن است که هنگام تعارض یک قاعدهٔ آمره با مقررات منشور ملل متحد، با وجود مادهٔ ۱۰۳ منشور و برتری آن بر مقررات دیگر معاهدات بین‌المللی، این قاعدهٔ آمره است که برتر و حاکم بر مقررات منشور است. علاوه بر این، ایران این نکته را در خصوص ایدهٔ قواعد آمره منطقه‌ای متذکر می‌شود که ملاک در قواعد آمره باید شناسایی جامعهٔ بین‌المللی دولت‌ها باشد و مادهٔ ۵۳ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ مؤید این موضوع است. ایران پیشنهاد می‌کند که عبارت «پذیرش و شناسایی از سوی اکثریت فراوان دولت‌ها» در جمع‌بندی (۲)۷ پیش‌نویس کمیسیون با عبارت «اکثریت بسیار قابل توجه» دولت‌ها که نمایانگر آشکال عمدهٔ تمدن و نظام‌های اصلی حقوقی جهان است، جایگزین شود (Sixth Committee of the 72th Session, 2017: 2-3). تغییر مورد نظر ایران در جمع‌بندی (۲)۷، در گزارش‌های بعدی کمیسیون قابل مشاهده است (A/74/10, 2019: Draft Conclusion. 7(2): 143).

1. Acceptance and recognition by a very large majority of States
2. A large majority of States

ایران در کمیته ششم هفتادوسومین اجلاس مجمع عمومی در سال ۲۰۱۸ و در پی گزارش سوم گزارشگر ویژه کمیسیون در خصوص قاعده آمره نکاتی را درباره قاعده آمره متذکر می‌شود. نکته اول آنکه ایران موافق جمع‌بندی ۱۷ کمیسیون نیست. طبق این جمع‌بندی قطعنامه‌های الزام‌آور شورای امنیت، در صورت تعارض با قواعد آمره تعهدات الزام‌آوری را به وجود نمی‌آورند (Draft Conclusion. 17(1): 225, A/73/10, 2018). ایران تأکید می‌کند همان‌طور که گزارشگر ویژه به درستی اعلام کرده، این نکته مورد پذیرش عمومی قرار گرفته است که قاعده عدم تخطی از قواعد آمره برای قطعنامه‌های شورای امنیت نیز لازم‌الاجراست (ILC Third Report on jus cogens, 2018, para. 152: 61). «ما بر این باوریم که ماده ۱۰۳ منشور فقط تأکید دارد که در زمان تعارض بین تعهدات به موجب منشور با تعهدات ناشی از سایر معاهدات بین‌المللی، تعهدات منشور مقدم‌اند. بر این اساس در زمان تعارض بین قواعد آمره و تعهدات منشور، قواعد آمره اولویت می‌یابند و ماده ۱۰۳ منشور اعمال نمی‌شود.» در این چارچوب به نظر ایران آن دسته از قطعنامه‌های شورای امنیت که در تعارض با حقوق بین‌الملل و مقررات منشور است، هیچ تعهدی را برای دولت‌ها به وجود نمی‌آورد. ایران این رویکرد را در دیگر مجامع نیز اعلام کرده است که نمونه آن، نظر ایران در خصوص آثار مخاصمات مسلحانه بر معاهدات در سال ۲۰۱۰ است (A/C.4/622, 2010, Draft Article. 14. para. 2: 132).

نکته دوم آنکه ایران موافق با جمع‌بندی ۲۰ و ۲۱ در خصوص وظیفه همکاری برای پایان دادن و عدم شناسایی و ارائه کمک به حفظ وضعیت ناشی از نقض قاعده آمره است (Report of the ILC, 2019, Draft Conclusions. 21- 22: 226). اما در عین حال معتقد است که باید بندی به آن اضافه شود بدین مضمون که عدم شناسایی آثار ناشی از نقض قواعد آمره که در نظر مشورتی دیوار مورد تأکید است (ICJ, Reports 2004, para. 159: 68)، نباید به ضرر افراد یا جمعیت آسیب‌پذیر باشد و ایران در این خصوص به‌عنوان یک الگو، به استثنای نامیبیا و شناسایی مواردی چون ثبت تولد، مرگ و ازدواج (ICJ, Reports 1971, para. 125: 44) اشاره می‌کند (ممتاز و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۴). نکته آخر ایران در مورد جمع‌بندی ۲۳ است که به عدم اعمال «مصونیت موضوعی» در خصوص جرمی که به موجب یک قاعده آمره ممنوع است، اشاره دارد. ایران معتقد است رویه اشاره‌شده از سوی گزارشگر ویژه در گزارش سوم، مؤید جمع‌بندی ارائه‌شده نیست. به نظر ایران، جرم ممنوعه به موجب یک قاعده آمره در پیش‌نویس جمع‌بندی ۲۳ از حدود مقررات مربوطه در دیگر کارهای کمیسیون، یعنی مصونیت مقامات دولتی از صلاحیت کیفری دولت خارجی، تجاوز کرده است، بنابراین درج چنین مقرره‌ای می‌تواند مشکل‌ساز باشد. علاوه بر این، دستیابی به اجماع در مورد دو کار دیگر یعنی جنایات

علیه بشریت و مصونیت مقامات دولت از صلاحیت کیفری خارجی را که در حال بررسی توسط کمیسیون هستند، دشوار می‌کند. بر این اساس، ضروری است که کمیسیون پیش از رسیدن به نتیجه نهایی در کارهای مربوطه، از پرداختن به این موضوعات در چارچوب قواعد آمره یا هرگونه پیش‌داوری خودداری کند تا از هرگونه تناقض احتمالی و تکرار جلوگیری شود (Sixth Committee of sixty-ninth session, 2018: 3-4).

ایران در کمیته ششم در هفتاد و چهارمین اجلاس مجمع عمومی ملل متحد به بررسی موضوعات هفتاد و یکمین اجلاس کمیسیون حقوق بین‌الملل پرداخت. ایران در دو حوزه به موضوع قواعد آمره اشاره داشته است: در خصوص موضوع مصونیت مقامات دولتی از صلاحیت کیفری خارجی و این مسئله که آیا تعارضی بین مصونیت و قواعد آمره در مورد مصونیت مقامات دولتی از صلاحیت کیفری خارجی در زمینه جرائم بین‌المللی وجود دارد یا نه، ایران بر این باور است که درک چگونگی بروز این تعارض دشوار است. نمی‌توان تصور کرد که وجود مسئولیت کیفری برای هر جنایت به موجب حقوق بین‌الملل که توسط یک مقام دولتی ارتکاب یافته است، به‌طور خودکار مانع مصونیت از صلاحیت کیفری خارجی شود. علاوه بر این، مصونیت به‌شدت عمل مورد نظر بستگی ندارد. به‌عبارت دیگر، دولت‌های ثالث برای تعقیب جنایات بین‌المللی، تعهد شناسایی شده‌ای که جنبه آمره داشته باشد، ندارند. همچنین حتی اگر چنین تعهدی وجود داشته باشد، جبران خسارت باید جنبه حقوقی داشته باشند. بی‌شک تعهد دولت‌های ثالث به تعقیب جنایات بین‌المللی در دادگاه‌های داخلی به‌عنوان یک قاعده آمره، قابل تصور نیست (Sixth Committee of the 73th Session, 2018, para. 4: 3).

در خصوص موضوع قواعد آمره، ایران بررسی گزارش چهارم را در دستور کار قرار داده و با تأکید بر موضع سابق خود که قواعد آمره منطقه‌ای حمایتی را در رویه دولت‌ها پیدا نمی‌کنند و مشکلات مفهومی و عملی را در زمینه جهانشمولی قواعد آمره ایجاد می‌کنند، از رویکرد کمیسیون و گزارشگر ویژه در خصوص حذف قواعد آمره با ماهیت صرفاً دوجانبه یا منطقه‌ای تمجید می‌کند. ایران همچنین بار دیگر بر رابطه ماده ۱۰۳ منشور و قواعد آمره تأکید می‌کند که هنگام تعارض، این قواعد آمره هستند که برتر خواهند بود و ماده ۱۰۳ اعمال نمی‌شود و در این چارچوب اعلام می‌کند که آن دسته از قطعنامه‌های شورای امنیت که مخالف اصول کلی حقوق بین‌الملل و مقررات منشور هستند، هیچ تعهدی را برای کشورها ایجاد نمی‌کنند. ایران با اهمیتی که برای این موضوع قائل است، چنین ادامه می‌دهد که اگرچه احتمال تصویب قطعنامه‌ای توسط شورای امنیت که در تعارض با قواعد آمره باشد بعید است، غیرممکن نیست. قطعنامه شورای امنیت ممکن است در مرحله اجرا به تعارض با قواعد آمره منجر شود و این موضوع در تاریخ کار این شورا رخ داده است. بر این اساس، اشاره روشن به قطعنامه‌های شورای امنیت در پیش‌نویس جمع‌بندی‌ها به‌منظور انعکاس حساسیت موضوع و اهمیت حل این

تعارض ضروری است. ایران متذکر می‌شود که اشاره به قطعنامه‌های شورای امنیت که توسط گزارشگر ویژه در گزارش سوم پیشنهاد شده بود (A/73/10, 2018)، متأسفانه از متن پیش‌نویس جمع‌بندی شماره ۱۶ حذف شده است: 16: Draft Conclusion. 16: (A/74/10, 2019, Draft Conclusion. 16). «عجیب است که بررسی آماری مختصری از مواضع اظهار شده توسط دولت‌های عضو در جریان بحث در خصوص کار کمیسیون در هفتادوسومین اجلاس مجمع عمومی نشان می‌دهد که کمتر از دو درصد دولت‌های عضو، پیشنهاد حذف تصریح به شورای امنیت را ارائه داده‌اند، در حالی که سایر دولت‌ها یعنی تقریباً تمام دولت‌های عضو به‌طور صریح یا ضمنی طرفدار اعلام چنین موضوعی بوده‌اند. تصمیمات شورای امنیت در صورتی که فراتر از قانون بوده و مقید به قواعد آمره نباشد، حتی می‌تواند اعتبار شورای امنیت را زیر سؤال ببرد. ایران در مورد عواقب مختلف این رویکرد برای مفهوم قاعده آمره هشدار می‌دهد و از کمیسیون می‌خواهد رویکرد خود را دوباره بررسی کند» (Sixth Committee of the 74th Session, 2019: 3).

ایران در خصوص جمع‌بندی شماره ۲۲ بر این عقیده است که عبارت «بدون لطمه زدن» (A/74/10, 2019, Draft Conclusion. 22: 146)، با حدود موضوع سازگار نیست و اعلام می‌کند ما خواهان حذف آن هستیم. نکته آخر ایران در خصوص فهرست غیر حصری قواعد آمره است که در جمع‌بندی شماره ۲۳ گزارش چهارم ذکر شده است. ایران تأکید می‌کند که تهیه فهرستی از قواعد آمره به بررسی بیشتری نیازمند است. با وجود رزروهایی که توسط تعدادی از کشورها در مورد تهیه فهرست قواعد آمره صورت گرفته است، به‌سختی می‌توان پذیرفت که چنین فهرستی ضرورت دارد. از منظر روش‌شناختی این فهرست می‌تواند ماهیت فرایندمحور این موضوع را به‌طور اساسی تغییر دهد و ممکن است به این سوء برداشت منجر شود که کمیسیون نهاد اصلی برای شناخت و شناسایی قواعد آمره است. به نظر ایران، کمیسیون به‌جای وضعیت حقوقی قواعد خاص، باید بر جنبه‌های روش‌شناختی و قواعد ثانویه متمرکز شود. علاوه بر این، شناسایی برخی قواعد به‌عنوان قواعد آمره در این مرحله می‌تواند مناقشه‌برانگیز باشد و در آینده نیاز به مطالعه و بررسی دقیق در کمیسیون را ایجاب کند (Sixth Committee of the 74th Session, 2019: 4).

رویکرد ایران در خصوص طرح مطالعاتی قواعد آمره در کمیسیون حقوق بین‌الملل

پس از فراز و فرودهای بسیار در کمیسیون در مورد مطالعه در خصوص قواعد آمره حقوق بین‌الملل، در نهایت این مهم در سال ۲۰۱۵ به‌طور رسمی در میان موضوعات مورد مطالعه کمیسیون قرار گرفت و آقای تلادی از آفریقای جنوبی به‌عنوان گزارشگر ویژه آن انتخاب شد.

1. Draft conclusion 22: The present draft conclusions are *without prejudice to* consequences that specific peremptory norms of general international law (*jus cogens*) may otherwise entail under international law.

وی از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹، چهار گزارش را به کمیسیون ارائه کرده و تا کنون ۲۳ ماده در قالب قرائت نخست پیش‌نویس نهایی شده است. موضوع قواعد آمره از لحظه انتخاب در کمیسیون تا استماع گزارش‌های آقای تلادی همواره از جذاب‌ترین و در عین حال، چالش‌برانگیزترین موضوعات در کمیسیون بوده و به دلیل حساسیت موضوع، تاکنون تنها ۶ دولت (اتریش، هلند، مکزیک، اسپانیا، پاراگوئه و آلمان) به‌طور مجزا نظرهای خود را به کمیسیون ارائه کرده‌اند (Analytical Guide to the Work of the ILC on *jus cogens*, <https://legal.un.org>) و بیشتر بحث و بررسی‌ها حول مطالعات کمیسیون در این خصوص، به کمیته ششم مجمع عمومی سازمان ملل واگذار شده است؛ جایی که دولت‌های مختلف از جمله ایران با صراحت دیدگاه خود را در خصوص این موضوع اعلام کرده‌اند. در ادامه به دیدگاه‌های منعکس‌شده ایران در گزارش‌های آقای تلادی می‌پردازیم تا نشان دهیم که چه میزان و کدام یک از دیدگاه‌های ایران مورد توجه گزارشگر طرح قرار گرفته است. بی‌شک تعداد و کیفیت انعکاس اظهارنظرهای ایران در گزارش‌های آقای تلادی نشان از توجه وی به رویه‌های دولتی مرتبط و اثرگذار در خصوص موضوع قواعد آمره دارد.

گزارشگر ویژه در دومین گزارش خود، هنگامی که از عناصر و ویژگی‌های قاعده آمره بحث می‌کند، به این نکته اشاره می‌کند که دولت جمهوری اسلامی ایران از حامیان آن مفهوم قاعده آمره‌ای است که هنجارهایش به‌طور جهانی پذیرفته شده و لازم‌الاجرا باشد (A/CN.4/706, (Footnote. 26): 7, 2017) و مستند این بحث را نظر ایران در کمیته ششم مجمع عمومی در سال ۲۰۱۶ می‌داند مبنی بر اینکه مفهوم قاعده آمره باید مورد پذیرش جامعه بین‌المللی باشد و قاعده آمره منطقه‌ای مورد پذیرش نخواهد بود (A/C.6/71/SR.26, 2016, para. 122: 16). در قسمتی دیگر از این گزارش در رابطه با معیار شناسایی قاعده آمره، گزارشگر تأکید می‌کند که بعضی دولت‌ها خواستار آن هستند که این موضوع در پرتو ماده ۵۳ کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات مورد توجه قرار گیرد و ایران را از دولت‌های حامی این ایده اعلام می‌کند ((Footnote. 81): 16, 2017: A/CN.4/706) که این موضوع را رسماً اعلام کرده است (A/C.6/71/SR.26, 2016: para. 118, p. 16) نکته دیگر که در این گزارش در خصوص ایران مورد توجه قرار گرفته است، موضع ایران در خصوص ارتباط قواعد آمره با اصول کلی حقوق است (Footnote. 138): 26, 2017: A/CN.4/706) که در بیانیه ایران در کمیته ششم ارائه شده بود (A/C.6/71/SR.26, 2016, para. 120: 16).

گزارشگر ویژه کمیسیون در سومین گزارش خود که در سال ۲۰۱۸ ارائه شد، به مباحث مهم مطرح‌شده در کمیته ششم مجمع عمومی ملل متحد اشاره می‌کند که یکی از این نکات، سؤالی است که ایران مطرح می‌کند: مرجع تعیین معیارهای شناسایی قواعد آمره کجاست؟ (Third Report of ILC on *jus cogens*, 2018, para. 13: 5) این موضع را ایران در سال ۲۰۱۷ اعلام

کرده بود (7: 45, para. 26, 2017, A/C.6/72/SR.26). نکته دیگر ایران که گزارشگر به آن پرداخته (6: 14, para. 2018, Third Report of ILC on *jus cogens*) آن است که به نظر ایران تخطی ناپذیری معیار شناسایی قاعده آمره نیست، بلکه اثر و نتیجه آن است. گزارشگر در بند ۶۴ گزارش مذکور، با اشاره به قضیه سکوه‌های نفتی، به استفاده از تفسیر برای جلوگیری از برداشت معارض با قاعده آمره اشاره می‌کند و استدلال ایران در خصوص تفسیر ماده ۲۰ معاهده مودت را مورد توجه قرار می‌دهد. ایران در این زمینه معتقد بود، براساس ماده ۵۳ کنوانسیون وین مقررهای از معاهده‌ای که در تعارض با قاعده آمره باشد، نامعتبر است. هریک از مقررات یک معاهده در صورت امکان باید به نحوی تفسیر شود تا با چنین قاعده‌ای مغایرت نداشته باشد. همان‌طور که پیشتر تأکید شد، دیوان بدون اشاره صریح به مفهوم قاعده آمره بر استدلال ایران بدین نحو صحه گذاشت که ماده ۲۰ باید به گونه‌ای تفسیر شود که به دیگر قواعد حقوق بین‌الملل خدشه‌ای وارد نکند. ایران همین موضع را در نشست شورای امنیت در مورد قطعنامه شورای امنیت درباره وضعیت بوسنی و هرزگوین نیز داشته است که نباید به گونه‌ای تفسیر شود که مخالف منشور ملل متحد یا قواعد آمره باشد (12: 3370, S/PV.1994). گزارشگر ویژه در بند ۱۵۸ و همچنین پاورقی شماره ۱۶۳ گزارش خود به این موضوع پرداخته است. علاوه بر این، گزارشگر ویژه در جایی که سخن از پایبندی همه دولت‌ها به قواعد آمره است، به موضع ایران اشاره می‌کند (Third Report of ILC on *jus cogens*, 2018: 5, Footnote. 31) که در سال ۲۰۱۳ در کمیته ششم مجمع عمومی اظهار شده است. بر این اساس «مخالفت مستمر» هیچ جایگاهی در شکل‌گیری قاعده آمره ندارد (2: 4, para. 2013, A/C.6/68/SR.26). گزارشگر ویژه در پاراگراف ۱۵۳ به موضع ایران در کمیته ششم مبنی بر متعهد بودن شورای امنیت به رعایت قواعد آمره حقوق بین‌الملل می‌پردازد که پیشتر مورد بحث قرار گرفت.

گزارشگر ویژه در گزارش چهارم خود که در سال ۲۰۱۹ ارائه شد، زمانی که از ممنوعیت شکنجه به عنوان یک قاعده آمره سخن می‌گوید، به نظر محاکم ملی و اظهارات دولت‌ها در کمیته ششم، از جمله اظهارات نماینده ایران در سال ۲۰۱۶ که ممنوعیت شکنجه را یکی از قواعد آمره می‌داند (15: 116, para. 2016, A/C.6/71/SR.26) استناد می‌کند (Fourth Report of ILC on *jus cogens*, 2019: para. 75 and Footnote 217).

توجه و استناد گزارشگر ویژه طرح به دیدگاه‌های ایران بیانگر اهمیت محتوایی اظهارنظرهای ایران از یک سو و عدم تمرکز گزارشگر بر رویه کشورهای خاص و توجه به پراکندگی جغرافیایی، فرهنگی و نظام‌های حقوقی متفاوت است. از این رو از تعداد ارجاعات گزارشگر به رویه دولت ایران به خوبی این نکته روشن می‌شود که دولت ایران نسبت به فرایند شکل‌گیری و شناسایی قواعد آمره حساسیت لازم را دارد و به خوبی از پیامدهای آن نسبت به روابط حقوقی این کشور به طور خاص و حقوق بین‌الملل به طور عام آگاهی دارد.

نتیجه گیری

قاعده آمره در هر نظام حقوقی یافت می‌شود. مبنای قاعده آمره ممانعت از ایجاد برخی تعارض‌ها در حقوق و تعهدات از یک سو و سنجش مشروعیت اقدامات تابعان یک نظام حقوقی است. از این رو قاعده آمره با پیوندی که میان ارزش‌های یک نظام حقوقی و هنجارهای آن برقرار می‌کند، سلسله‌مراتب هنجاری را متناسب با ویژگی‌های خاص هر نظام حقوقی سامان می‌دهد. در نظام حقوق بین‌الملل نیز به‌ویژه پس از تأسیس ملل متحد، ضرورت ایجاد سلسله‌مراتب هنجاری در فقدان قوای قانونگذاری، اجرایی و قضایی احساس شد. براساس فرمول کنوانسیون حقوق معاهدات وین ۱۹۶۹ که سنگ بنای شناسایی رسمی قواعد آمره در حقوق بین‌الملل است، شناسایی و به رسمیت شناختن قواعدی که بخشی از ارزش‌های جامعه بین‌المللی هستند و با قاعده دیگری با همان ویژگی قابل تغییر و اصلاح‌اند، معرف ویژگی‌های قاعده آمره در حقوق بین‌الملل قلمداد می‌شوند. دولت ایران از همان ابتدا در کنار بسیاری از دولت‌ها از چنین توصیفی حمایت به‌عمل آورده است. در ادامه از مجموع مباحث نوشتار حاضر به برخی نکات مهم مرتبط با رویکرد دولت ایران نسبت به قاعده آمره اشاره می‌شود:

۱. **رویکرد بینابین:** همان‌گونه که گفته شد، رویکرد دولت ایران نسبت به قواعد آمره حالت

بینابین دارد؛ توضیح اینکه برخی دولت‌ها همچون فرانسه از ابتدا با مفهوم قاعده آمره مخالفت ورزیده‌اند. در حالی که در نقطه مقابل برخی دولت‌ها نه تنها حامی ورود مفهوم قاعده آمره و آثار ناشی از آن به نظام حقوقی بین‌المللی‌اند، بلکه عدم لزوم احراز رضایت دولت‌های خواننده به صلاحیت محاکم بین‌المللی را در خصوص نقض قواعد آمره نیز پذیرفته‌اند. دولت ایران در این میان، ضمن حمایت کامل از ظهور و ورود قاعده آمره به نظم حقوقی بین‌المللی در زمینه اجباری بودن سازوکارهای حل و فصل اختلاف در رابطه با قاعده آمره محتاطانه عمل کرده است. شاید به همین دلیل، ایران در زمره کشورهای است که پس از حدود نیم قرن هنوز تمایلی به تصویب کنوانسیون‌های حقوق معاهدات ۱۹۶۹ و ۱۹۸۶ ندارد.

۲. **پابندی به فرمول کنوانسیون وین:** در خصوص شناسایی قاعده آمره، دولت ایران

رویکرد محتاطانه دارد؛ بدین بیان که تنها فرمول مندرج در ماده ۵۳ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ را برای شناسایی قاعده آمره پذیرفته و نسبت به سایر فرمول‌های پیشنهادی برخی کشورها رغبتی نشان نداده است. این رویکرد نشان می‌دهد دولت ایران تمایلی به ورود به مباحثی را که ممکن است در زمینه شناسایی قاعده آمره تردیدهایی را ایجاد کند، ندارد.

۳. **مشارکت گسترده در کمیته ششم:** موضوع قاعده آمره به‌واسطه حساسیتی که برای

تمام دولت‌ها دارد، موجب شد که در خصوص بررسی گزارش‌های کمیسیون در مورد موضوع قواعد آمره، دولت ایران نیز در کنار برخی دولت‌ها مشارکت حداکثری

به خصوص در برخی مفاد مهم از جمله فرمول شناسایی قاعده آمره، تهیه فهرست مصادیق قاعده آمره و شناسایی قاعده آمره محلی یا منطقه‌ای داشته باشد. امید می‌رود چنین مشارکتی در خصوص ارائه نظریات مشخص به کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص این موضوع و موضوعات دیگر در دستور کار قرار گیرد تا مشارکت ایران را در زمینه ساخت و پرداخت زمینه قواعد بین‌المللی پررنگ‌تر سازد.

۴. قاعده آمره به‌عنوان نقطه تمرکز دادرسی‌های ایران در دیوان: تاکنون در چهار

دعوی که ایران به‌عنوان خواهان در دیوان بین‌المللی دادگستری حضور داشته، تهدید یا توسل به زور و دفاع مشروع در زمره مباحث محوری پرونده‌های ایرباس، سکوه‌های نفتی، برخی دارایی‌های ایران و نقض‌های ادعایی معاهده مودت بوده است. در این دعاوی از یک سو ایران سعی داشته از مفهوم قاعده آمره منع توسل به زور (تجاوزکارانه) در پرونده ایرباس به نفع خود استفاده کند و در عین حال، در برابر استناد به قاعده دفاع مشروع از سوی ایالات متحده در توسل به اقدامات نظامی یا قهری علیه ایران در قضیه سکوه‌های نفتی به آمره بودن منع توسل به زور برای توجیه‌ناپذیر بودن اقدام ایالات متحده استناد کند. ارتباط میان قاعده آمره و مصونیت دولت نیز موضوعی است که از سوی ایران در دعاوی برخی دارایی‌ها مطرح شد. همچنین استناد به ویژگی امره قواعد مورد بحث در پرونده نقض‌های معاهده مودت به‌واسطه اعمال تحریم‌های ایالات متحده در عرصه‌های مرتبط با حقوق بشر نیز می‌تواند در مرحله ماهوی دیوان با تفصیل بررسی شود. به‌نظر می‌رسد محور استدلال‌های ایران در مقام خواهان در سال‌های اخیر در دیوان، یکی از دلایلی باشد که ایران در کمیته ششم اعلام کند، در خصوص مصادیق قواعد آمره، تهدید و توسل به زور باید در رأس قرار داشته باشد.

۵. تقابل قاعده آمره با مصونیت دولت: دولت ایران از جمله دولتهایی است که از نقض

قاعده مصونیت دولت در محاکم سایر کشورها از جمله ایالات متحده متأثر شده است. از این‌رو، رویکرد ایران در خصوص رابطه میان قاعده آمره و مصونیت دولت به‌نحوی است که معتقد است اعمال بی‌رویه قاعده آمره بر نهادهای کاملاً تثبیت‌شده حقوق بین‌الملل مانند مصونیت دولت‌ها آثار مخربی در پی دارد و در خصوص پیگیری نقض قواعد آمره، ایران به‌طور مشخص صرفاً قائل به جبران خسارت مدنی است تا پیگیری کیفری.

۶. الزام شورای امنیت به پایبندی به قواعد آمره: ایران در طول نشست‌های کمیته

ششم و در سایر نشست‌ها و اظهارنظرها، همواره بر الزام شورای امنیت در خصوص قواعد آمره تأکید داشته است. به‌نظر می‌رسد ریشه این موضع‌گیری به‌خصوص در دو دهه اخیر، طرح پرونده هسته‌ای ایران در شورای امنیت و ایجاد رژیم تحریمی علیه ایران بوده که آثار آن به‌زعم ایران ناقض قواعد آمره بوده است. از این‌رو ایران معتقد است عدم

رعایت قواعد آمره در اعمال دولت‌ها و سازمان‌ها، آن اعمال را عاری از هرگونه اثر حقوقی خواهد کرد. از طرف دیگر، ایران معتقد است در تعارض احتمالی قواعد آمره و مادهٔ ۱۰۳ منشور، بدیهی است که قواعد آمره باید از اولویت برخوردار باشند.

۷. **معیار شناسایی قاعدهٔ آمره:** ایران در مباحث کمیتهٔ ششم به پرسش مهمی می‌پردازد: چه کسی بیشترین صلاحیت را برای احراز وجود قاعدهٔ آمره دارد؟ ایران برخلاف رویکرد منفی خود در کنفرانس تصویب کنوانسیون ۱۹۶۹ و ۱۹۸۶ در زمینهٔ تعبیهٔ سازوکار اجباری برای حل و فصل اختلافات ناشی از قاعدهٔ آمره، در سال‌های اخیر در مباحث کمیتهٔ ششم دیوان بین‌المللی دادگستری را در تشخیص قاعدهٔ آمره صالح می‌داند.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. شایگان، فریده (۱۳۹۹)، *ایران و شورای امنیت: از تخلیهٔ آذربایجان تا جنگ ایران و عراق*، تهران: سمت.
۲. فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۸۳)، *حقوق بین‌الملل معاهدات*، تهران: فرهنگ نشر نو.

ب) مقالات

۳. ابراهیم‌گل، علیرضا؛ عطار، محمدصالح (۱۳۹۸)، «مبانی نظری قاعدهٔ آمره در حقوق بین‌الملل»، *فصلنامهٔ دیدگاه‌های حقوقی قضایی*، دورهٔ ۲۴، ش ۸۷، ص ۲۸-۱.
۴. ارکلش ویلی، الکساندر (۱۳۸۴)، «تأثیر قواعد آمرهٔ حقوق بین‌الملل بر تفسیر و اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت»، *پژوهش‌های حقوقی*، ش ۷، صص ۵۵-۹۸.
۵. زمانی، سید قاسم (۱۳۷۷)، «جایگاه قاعدهٔ آمره در میان منابع حقوق بین‌الملل»، *مجلهٔ حقوقی بین‌المللی*، ش ۲۲، صص ۳۱۷-۳۴۴.
۶. شایگان، فریده؛ عبداللهی، مجتبی (۱۴۰۰)، «کارکرد قواعد آمره در حوزهٔ اعمال یکجانبهٔ دولت‌ها»، *فصلنامهٔ مطالعات حقوق عمومی*، دورهٔ ۵۱، ش ۲، صص ۷۱۴-۶۹۵.
۷. گلنون، مایکل (۱۳۸۸)، «پوچی قاعدهٔ آمره در حقوق بین‌الملل»، *ترجمهٔ صابر نیاورانی*، *نشریهٔ تحقیقات حقوقی*، ش ۴۹، صص ۵۷۱-۵۶۲.
۸. ممتاز، جمشید؛ زرنشان، شهرام؛ علیزاده، مسعود (۱۳۹۷)، «تعهد به عدم مساعدت به حفظ وضعیتی که در نتیجهٔ نقض یک قاعدهٔ آمرهٔ حقوق بین‌الملل عام ایجاد شده است»،

پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ش ۲۲، صص ۱۳۵-۱۵۴.
۹. ممتاز، جمشید (۱۳۹۵)، «اظهارات در کمیته ششم مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در ارتباط با عملکرد شصت‌وهشتمین اجلاس کمیسیون حقوق بین‌الملل، موضوع قاعده آمره، ۲۸ اکتبر ۲۰۱۶»، ترجمه فریده شایگان، منتشرشده در تارنمای انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Falsafi, Hedayatollah (2004), *International Law of Treaties*, Tehran: Farhang Nashr No (In Persian).
2. Momtaz, Djamichid (2016), *Statement before the Sixth Committee of the UN General Assembly, jus cogens*, Farideh Shayegan (Trans.), at: <https://unstudied.ir> (In Persian).
3. Shayegan, Farideh (2021), *Iran and UN Security Council: From Evacuation of Azerbaijan to Iran-Iraq War*, Tehran: Smat (In Persian).

B) Articles

4. Ebrahimgol A, attar M S. (2019), "The Theoretical Foundations of jus cogens in International Law", *Judicial Law Views Quarterly*, Vol. 24, pp. 1-28 (In Persian).
5. Glennon, Micheal (2009), "Absurdity of jus cogens in International Law", *Legal Research Quarterly*, Vol. 12, pp. 555-572 (In Persian).
6. Momtaz, Djamichid; Alizadeh, Masoud & Zarneshan, Shahram (2018), "The Obligation to not Render Aid or Assistance so as to Maintain a Situation Created by the Breach of a Peremptory Norm of General International Law", *Comparative Law Researches*, Vol. 22, pp. 135-154 (In Persian).
7. Orakhelashvili, Alexander (2005), "The Impact of Peremptory Norms on the Interpretation and Application of United Nations Security Council Resolutions, S. Ghasem Zamani (Trans.)", *Journal of Legal Research*, Vol. 4, pp. 55-98 (In Persian).
8. Petsche, Markus (2010), "Jus Cogens as a Vision of the International Legal Order" *Penn State International Law Review*, Vol. 29, No. 2, Article 2, pp. 233-273.
9. Shaygan, Farideh & Abdollahi, Mojtaba (2021), "The Function of jus cogens in the Field of Unilateral Acts of States", *Public Law Studies Quarterly*, Vol. 51, pp. 695-714 (In Persian).
10. Von Verdross, Alfred (1937), "Forbidden Treaties in International Law: Comments on Professor Garner's Report on The Law of Treaties", *The American Journal of International Law*, Vol. 31, No. 4, pp. 571-577.
11. Zamani, S. Ghasem (1998), "The Status of Peremptory norm among the sources of international law", *International Law Review*, Vol. 16, 1998, pp. 317-344 (In Persian).

C) Cases

12. ICJ, Accordance with International Law of the Unilateral Declaration of Independence, Written Statement of Iran, 17 April 2009.
13. ICJ, Case Concerning Certain Iranian Assets (Iran v. Unites States of America), Memorial of Iran, 1 February 2017.
14. ICJ, Case Concerning Oil Platforms (Iran v. United States of America), Judgment of November 2003, ICJ, Reports 2003.
15. ICJ, Case Concerning Oil Platforms (Iran v. United States of America), Judgment of November 2003, Separate Opinion of Judge Rigaux.
16. ICJ, Case Concerning Oil Platforms (Iran v. United States of America), Judgment of November 2003, Separate Opinion of Judge Simma.
17. ICJ, Case Concerning Oil Platforms (Iran v. United States of America), Memorial Submitted by Islamic Republic of Iran, Vol. I, 8 June 1993.
18. ICJ, Case Concerning Oil Platforms (Iran v. United States of America), Reply and Defense to Counter-claim Submitted by Islamic Republic of Iran, Vol. I, 10 March 1999.
19. ICJ, Case Concerning the Aerial Incident of 3 July 1988 (Iran v. United States of America), Observation and Submissions of Iran on the Preliminary Objections, 9 September 1992.
20. ICJ, Case Concerning the Aerial Incident of 3 July 1988, (Iran v. United States of America), Memorial Submitted by the Islamic Republic of Iran, Vol. I, 24 July 1990.
21. ICJ, Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece Intervening) Judgment of 3 February 2012.
22. ICJ, Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia (South West Africa) notwithstanding Security Council Resolution 276 (1970), Advisory Opinion of 21 June 1971.
23. ICJ, Legal Consequences of the Construction of the Wall in Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion of 9 July 2004
24. ICJ, Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion of 8 July 1996.
25. IUSCT, Amoco International Finance Corporation v. Iran, National Iranian Oil Company, National Petrochemical Company and Kharg Chemical Company Limited, Case. No. 56, Chamber. 3, (Award No. 310-56-3), 14 July 1987.
26. PCIJ, The Oscar Chinn Case, (Britain v. Belgium). 12 December 1934. Separate Opinion of M. Schucking.
27. Reports of International Arbitral Awards, French-Mexican Claims Commission (France, United Mexican States) (13 April 1928- 24 June 1929), Volume. V, pp. 307-560. UN (2006).

D) Documents

28. Effects of Armed Conflicts on Treaties, A/C.4/622 and Add. 1, Comments and Information Received from Governments, 15 March and 11 May 2010.

29. Fourth Report on Peremptory Norms of General International Law (jus cogens) by Dire Tladi, Special Rapporteur, 2019.
30. Note Verbal Dated 19 June 1995 from the Embassy of Iran, together with Statement of the Government of Islamic Republic of Iran.
31. Report of the International Law Commission, Seventieth Session, (30 April-1 June and 2 July-10 August 2018), Supplement No. 10 (A/73/10).
32. Report of the International Law Commission, Seventy-first Session, 2019, (A/74/10).
33. Report on the Law of Treaties by Mr. H. Lauterpacht, Special Rapporteur, A/CN.4/63.
34. Second Report on jus cogens by Dire Tladi, Special Rapporteur, 16 March 2017, A/CN.4/706.
35. Second Report on the Law of Treaties, by Sir Humphrey Waldock, Special Rapporteur, A/CN.4/156 and Add.1-3.
36. Statement of Iran before the Sixth Committee of the UN, the Sixth Committee of the 74th Session of the UNGA on Report of the International Law Commission, 2019.
37. Statement of Iran before the Sixth Committee of the UNGA on Report of the International Law Commission on the Work, 25 October 2017.
38. Statement of Iran before the Sixth Committee of the UNGA on Report of the International Law Commission on the Work, 1 November 2017.
39. Statement of Iran before the Sixth Committee of the UNGA on Report of the International Law Commission on the Work, 30 October 2018.
40. Statement of Iran to the United Nations, the Sixth Committee of the 73th Session of the UN General Assembly on Report of the International Law Commission, 2018.
41. Third Report on Peremptory Norms of General International Law (jus cogens) by Dire Tladi, Special Rapporteur, 12 February 2018.
42. Third Report on the Law of Treaties by Mr. G.G. Fitzmaurice, Special Rapporteur, A/CN.4/115 and Corr.1.
43. Treaty of Amity Economic Relations and Consular Rights between the United States and Iran, 15 August 1955, 284 U.N.T.S. 93.
44. UN Conference on the Law of Treaties between States and International Organizations or between International Organizations, (Vienna, 18 February — 21 March 1986), Vol. I.
45. UN Conference on the Law of Treaties, 26 March-24 May 1968 and 9 April-22 May 1969, (A/CONF.39/C.1/L.302).
46. UN Conference on the Law of Treaties, 26 March-24 May 1968.
47. UN Conference on the Law of Treaties, 9 April-22 May 1969, (A/CONF.39/L.47 and Rev.1).
48. UN, Vienna Convention on the Law of Treaties, 23 May 1969.
49. UNGA, 18 November 2013, A/C.6/68/SR.26.
50. UNGA, 5 December 2016, A/C.6/71/SR.26.

51. UNGA, 5 December 2017, A/C.6/72/SR.26.
52. UNSC, 9 December 1991, S/23273.
53. Yearbook of the International Law Commission, 1963.
54. Yearbook of the International Law Commission, 1966.

E) Website

55. https://legal.un.org/ilc/guide/1_14.shtml
56. <https://treaties.un.org>